

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شبه‌هنگ راد
۱۵ می ۲۰۲۲

جُنُبش نان و گرانی

انتخابِ واژه برارزنده و مطابق با قامت نظام جمهوری اسلامی سخت است. زیرا که گفتار و کردارِ سران حکومت آن قدر شنیع و غیر انسانیست که شرح و بیانِ همه‌جانبه آن را نمی‌شود در چند کلام و خط گفت و نوشت. این نظام تولید کننده مشکلات و معضلات علیه سازندگان اصلی جامعه است؛ سنگ‌پرانی و تعدی به سفره ناچیز درمندان به کار و بار دولت‌های رنگ‌وارنگ نظام جمهوری اسلامی تبدیل گشته است. یکی پس از دیگری بر شتاب تعرض افزوده و سفره کارگران و زحمت‌کشان را کوچکتر و کمرنگتر کرده‌اند و در این میان هر دولتی در تلاش است تا بار معضلات دست‌ساز حکومتی را، نه در سیستم و مناسبات امپریالیستی بلکه به سیاست‌های جناح‌های رقیب ربط دهد. جدا از جار و جنجال و لیچارگوئی این و یا آن حامی نظام، همواره چوب اختلافات بی‌مایه درون نظام را مردم می‌خورند و متعاقباً این‌که گوش آنان پُر از بالارفتن فلان کالای بدهی و اولیه شده است. یعنی این‌که مرغ گران شده است، بنزین بالا رفته است، هزینه مسکن چندین برابر شده است، قیمت خودرو اضافه شده است، گوشت افزایش چندین درصدی داشته است، پوشاک و لوازم آموزشی سیر صعودی داشته است و خلاصه، ساعت‌به‌ساعت و دقیقه‌به‌دقیقه، جامعه شاهد تعرضی تازه‌تر به زندگی کارگران، زحمت‌کشان و دیگر قربانیان نظام امپریالیستی است.

براستی مقصر اصلی [و خلافِ لاطائلات این و یا آن حکومت‌مدار و دولت‌مدار]، کیست؟ تا چه زمان مردم باید شاهد بالارفتن نیازهای ابتدائی زندگی و در مقابل دریافت دست‌مزدهای ناچیز باشند؟ و سرآخر پاسخ و علاج کار در چیست؟ البته چنین حالتی یعنی گرانی نیازهای ابتدائی زندگی، پدیده تازه‌ای نیست و دنیای انسانی و به‌خصوص کارگران و زحمت‌کشان جهان، با آن‌ها بسیار آشنا هستند. همه‌جا قیمت نان، گاز، برق، آب و دیگر کالاهای اولیه بالا رفته است، و همه‌جا بار بُحران حکومت‌مداران و دولت‌مداران را مردم به دوش می‌کشند. زیرا به گمان آنان وظیفه مردم پُر کردن بیش‌ازپیش جیب‌های بی‌انتهای‌شان است. بر همین اساس مفهوم و طرح تقسیم ثروت‌های جامعه و یا محترم شمردن به حقوق پایه‌ای مردم، مسأله و خواست، اضافه است. در چنین مناسباتی و به‌خصوص در زیر سلطه نظام وابسته جمهوری اسلامی، کارگر ناتوان از تهیه نیازهای اولیه و مجبور به خرید نان بربری ۱۲ هزار تومانی است؛ زیرا یک‌درصدی‌های جامعه، نان را برای نودوندرصدی‌ها به کالای لوکس تبدیل کرده‌اند و کسی گوشش به این قضیه بدهکار نیست که سفره‌ها خالی از نان شده و میلیون‌ها کارگر و کودک و دیگر قربانیان نظام، از تهیه نان شب‌شان مانده‌اند. طبق معمول و روال هر دولت تازه [از راه رسیده]، ریشه در سیاست‌های نادرست دولت‌های قبلی و جناح‌های

رقیب حکومتی دارد و بعضاً از آنان هم، مزورانه اظهار «نارضایتی» از زندگی وخیم مردم می‌کنند! به‌طور مثال «قالیباف» رئیس مجلس چند روز قبل و بعد از گرانی سرسام‌آور آرد و نان گفته است: «مسأله اصلی که باعث نگرانی بیشتر مردم شده این است که گرانی اخیر شروع گرانی‌های کالاهای اساسی باشد که معیشت مردم به آن گره خورده است. ریشه این نگرانی‌های مردم به این برمی‌گردد که اگر قرار است ارز ترجیحی مربوط به کالاهای اساسی هدفمند شود، گرانی‌های شدیدی در دیگر کالاها که مرتبط با آن هستند ایجاد خواهد شد و دولت در موضوع ماکارونی و آرد صنعتی به گونه‌ای عمل کرد که باعث نگرانی بیشتر مردم شد».

عجب حکایتی شده است و مهره محکم نظام، این‌روزها لباس حامی مردم به تن کرده و «نگران» نداری محرومان و ناتوانی‌شان در تهیه نان‌شان شده است! عنصر آلوده‌ای که خود پرونده ای پُر از غارت ثروت‌های جامعه و تعرض به معیشت و سفره مردم دارد. همین چند روز قبل بود که اعمال کثیف وی و فساد مالی خانواده‌اش به سر تیتزر رسانه‌های وابسته نظام تبدیل گشته است. یقیناً همه آن‌ها این‌گونه هستند و همه آن‌ها در دست‌اندازی به اموال عمومی و نیز تخته‌های توده‌های ستم‌دیده گوی سبقت را از یک‌دیگر ربوده‌اند. خلاف نظر «قالیباف»، مردم نه صرفاً نگران از سیاست‌های دولت، بلکه معترض‌اند. این‌را با چه زبانی بگویند و با چه شیوه‌هایی به گوش حکومت‌مداران فرو کنند که حاضر به قبول فشارهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نظام حاکم در ایران نیستند. به‌غیر از این است که از همان آغاز بر سر کار گماری سران حکومت، در روستاها و شهرها، در میادین تولیدی و در خیابان‌ها و میادین آموزشی و اجتماعی [از قهر انقلابی و توده‌ای گرفته تا آتش‌زدن پمپ بنزین‌ها، راهپیمایی، اعتصاب و اعتراضات وسیع و چند میلیونی] پیام خود را به گوش سران حکومت و از جمله رئیس مجلس کنونی رسانده‌اند؟ به‌غیر از این است که آشنائی و با قبول هزینه‌های سنگینی همچون دستگیری، شکنجه و اعدام به‌میدان آمده‌اند و اعلام کرده‌اند که این نظام متعلق به آنان نیست و خواهان تغییر آن هستند؟

دهه‌هاست مردم فهمیده‌اند که در چنین سیستمی بالارفتن اقلام اولیه زندگی همچون نان، نه موضوع تازه بلکه پایانی در آن نیست؛ می‌دانند که خاصیت همه نظام‌ها و از جمله نظام جمهوری اسلامی هر چه کم‌رنگ‌تر سفره آنان است؛ دریافته‌اند که حیات کارگران و زحمت‌کشان را امثالی همچون «قالیباف» و «رئیس» و دیگر حکومت‌مداران و دولت‌مداران نابود کرده‌اند. در حقیقت آن‌قدر فشار و مصیبت‌ها بالاست و آن‌قدر فضای سیاسی جامعه ملتهب است که خودی‌های‌شان دارند از "پرده آخر" حکومت حرف به‌میان می‌آورند، آن‌وقت دسته و جناحی از حکومت بر آن است تا جناح دیگر را عامل بدبختی مردم و گرانی اقلام اولیه معرفی کند!

بیش از ۴۰ سال با دُروغ و ریا و با و عمو عید به جنگ افکار اعتراضی مردم رفته‌اند تا عمارت حکومت‌شان دچار صدمات جدی نشود؛ بیش از ۴۰ سال هر دولت تازه و از راه رسیده، بار بُحران دست‌ساز حکومتی را به دولت‌های پیشین نسبت داده – و می‌دهد – تا سیاست‌های جنگ‌طلبانه، ریاضیت‌کشی و بانک جهانی را دنبال کند. به‌همان میزانی که این‌دست سیاست‌ها در درون حکومت‌مداران نهادینه شده است، به‌میزانی وسیع‌تر، دُروغ‌گوئی و کلاشی هم به مدل سیاسی دولت‌مردان جمهوری اسلامی تبدیل گشته است. به‌طور مثال فراموش نشده که «رئیس»، رئیس منتخب نظام گفته است: «گرانی و تورم بزودی متوقف خواهد شد و علل آن‌ها را نتیجه تصمیمات نادرست دولت گذشته – یعنی «روحانی» – دانست» و ادامه داد: «آثار و تصمیمات ما در ماه‌های آینده روشن می‌شود». ولی چند ماهی از دولت‌مداری وی نگذشته است که مابه‌ازای عملی آن حرف‌های بی‌مقدار را مردم دارند در سر سفره‌های‌شان می‌بینند؛ دارند می‌بینند که یکی متجاوزتر و دست‌درازتر از دیگری [به سفره و حقوق آنان] است؛ می‌بینند که وظیفه «رئیس» و «قالیباف» همانی است که وظیفه «روحانی» و «لاریجانی» [رئیس جمهور و رئیس مجلس پیشین] بود؛ می‌بینند که هیچ

تفاوت ماهوی ای بین آنان نبوده و نیست و همه آنان از عاملین و آمرین کُشت و کُشتار و تعرض به معیشت مردم‌اند؛ نیز و مهم‌تر فهمیده‌اند که فقط جابه‌جایی رئیس تازه‌تر، در زمان انتصابات حکومتی است. افزایش ۱۳ درصدی آرد، چیزی جز برملاء شدن ماهیت رئیس جمهور منتخب نظام نیست.

مسئلاً بالارفتن قیمت‌ها فقط به آرد و نان خلاصه نمی‌شود. در روزنامه «دنیای اقتصاد» آمده است: «قیمت ساندویچ فلافل که ارزان‌ترین ساندویچ در مناطق میانی و متوسط شهر تهران و بین ۲۰ تا ۳۰ هزار تومان بود، طی دو روز اخیر به بیش از ۳۰ هزار تومان افزایش یافته است». در ادامه دیگر رسانه‌های وابسته نظام گزارش داده‌اند: «راسته گوساله در بازار با قیمت هر کیلو ۲۲۰ هزار تومان، شقه گوسفندی هر کیلو ۱۷۰ هزار تومان، سردست و گردن ۱۷۰ هزار تومان، ران گوسفندی ۱۹۰ هزار تومان، قلوه‌گاه ۱۶۰ هزار تومان و ران گوساله ۱۸۰ هزار تومان به‌مصرف کنندگان عرضه می‌شود». سرآخر نوشته‌اند که «مصرف پروتئین قرمز در ایران به کمتر از روزی ۸ گرم (ماهانه ۲۴۰ و سالانه ۲۸۸۰ گرم) رسیده است و بسیاری از خانواده‌ها حتی توان خرید همین میزان اندک را هم ندارند».

بسیار دردناک است در جامعه پُر از ثروت و منابع طبیعی، سهم میلیون‌ها توده دردمند، روزانه ۸ گرم گوشت است و در عوض حکومت‌مداران، دولت‌مردان و اعوان و انصارشان، غرق در ثروت و زندگی تجملی و مصرف‌گرایی‌اند. معلوم است که کارگر با دست‌مزد ۴ میلیون و ۱۷۹ هزار ۷۵۰ تومان، در کوله‌باری از مشکلات و گرانی‌ها زمین‌گیر خواهد شد؟ چگونه می‌شود با حقوق‌های ناچیز [که سرفقت هم پرداخت نمی‌شود] ادامه حیات داد؟ باکتری‌های جامعه نان را گران کرده‌اند و توضیح‌شان در آن است که از تأثیرات جنگ اوکراین می‌باشد، و یا این‌که معاون دفتر علی خامنه‌ای «رسول سنائی‌راد» (سردار سپاه و معاون دفتر عقیدتی – سیاسی فرمانده کل قوا) در روزنامه جوان وابسته به سپاه، وقیحانه گفته است: «مردم ایران زیاد نان می‌خورند»!

شیر خشک را ۲۷ درصد افزایش داده‌اند و هر قوطی ۴۵۰ گرمی را ۵۰ هزار تومان می‌فروشند؛ «حتماً» به این دلیل، مصرف شیر خشک کودکان «زیاد» شده است! بر اساس چنین نگرش و افکاریست گفته می‌شود که با هیچ کلمات و سیاستی نمی‌شود از در توضیح قامت و فکرهای پلید سران حکومت برآمد؛ به‌راستی سقّی در وقاحت جانیان بشریت نیست. اگرچه «رئیس» سرکرده دولت به روال گذشته «قول» داده است جای «نگرانی» ای نیست و «نان سنتی به دست همه مردم خواهد رسید».

دُرست است و کارگر «نگران» این‌قضیه نیست، چراکه پیشاپیش بابت یک قرص نان سُنتی (بربری) ۱۲ هزار تومان پرداخت کرده است. «رئیس» [بمانند همه سران حکومت] به روز حرف می‌زند و یادش رفته است که ثمره گرانی نان و دیگر اقلام اولیه زندگی را، به رئیس پیشین دولت نسبت داد و علی‌رغم آشنائی از چنین وضعیتی بر آن بود تا بالا بردن قیمت‌ها را از سبب سیاسی خود بر دارد! هم‌چنین نه شنیده است که «علی بهادری‌جهرمی» سُخن‌گوی وی تأکید کرد: «به هیچ وجه قیمت نان برای مردم تا پایان سال تغییر نمی‌کند و رئیس‌جمهور اجازه گران شدن نان را نمی‌دهد». ولی ۲ ماه از سال ۱۴۰۱ نگذشته است که نه تنها نان، بلکه لبنیات، روغن، شکر، مسکن، پوشاک و ماکارونی که قبلاً جایگزین برنج مردم شد، به شکل بی‌سابقه‌ای بالا رفته است. بنابراین بی‌علت نبوده – و نیست – که مردم «شادگان» و «حمیدیه» در اعتراض به گرانی نان و با آتش زدن لاستیک، جاده کمربندی را بستند و نیز مردم دردمند «ایذه»، «سوسنگرد»، «ذرفول»، «ماهشهر»، «اندیمشک» و «سرپل ذهاب» به خیابان‌ها آمده و علیه گرانی دست به تظاهرات زدند.

به‌طور قطع اعتراضات مردم به چند شهر فوق ختم نشده و محدوده آن بسیار بیش‌تر و دیگر استان‌ها را در بر گرفته است. در هر صورت یک‌موضوع قابل فهم است که هر زمان نظام جمهوری اسلامی به مردم تعرض کرده است، مردم

هم برای کسب مطالباتشان به‌صف شده‌اند و سران حکومت را در حوزه‌های متفاوت مورد بازخواست قرار داده‌اند. چنین تسلسل، یعنی کنش و واکنش دو سوی جامعه به‌عینه قابل رویت است؛ کنش سیاسی و واکنش‌های سیاسی‌ای که یک‌لحظه از فضای جامعه دُور نشده و تجلی خود را در طرح شعارهای "مرگ بر خامنه‌ای"، «روحانی» و «رئوسی» و دیگر مقام و منصبان نظام به‌نمایش گذاشته است. پیداست که تحرکات [جنبش‌ها] و خیزش‌های کارگری و توده‌ای در ایران فراوان‌اند و نیز قطعی‌ست که پیروزی از آن ستم‌دیدگان خواهد بود. آن‌اندازه نارضایتی‌ها بالاست که سران رژیم جمهوری اسلامی منتظرِ بالآمدن جنبش‌های همگانی و آن‌هم در مقیاسی به‌مراتب وسیع‌تر از سال‌های ۹۶ و ۹۸ هستند. این‌را علناً در تریبون‌های حکومتی، از مجلس و رادیو و تلویزیون گرفته تا در دیگر رسانه‌ها جمعی اعلام کرده‌اند. پس هرگونه سُنستِی، عدم هوشیاری از اتفاقاتِ سیاسی‌آتی، و بویژه بی‌توجهی و دُور شدن از شیوه‌های مبارزه مطابق با قاعده‌بندی‌های حاکم بر جامعه، نه تنها به پیش‌روی اعتراضات کارگری و توده‌ای منتهی نخواهد شد بلکه سیستم و مناسبات سرمایه‌داری در قالب و در هبیت‌های دیگر [حکومتی] پابرجا خواهد ماند. واضح‌تر این‌که خیزش و جنبش‌های اعتراضی درون جامعه، وابسته به حمل برنامه انقلابی و به‌خصوص وابسته به پادرمیانی عملی کمونیست‌هاست. در نتیجه زمانی مشکل کار و مسکن، نان و ده‌ها مواد غذایی و دیگر نیازهای میلیون‌ها توده دردمند برطرف خواهد شد که نظام حاکم در ایران بزیر کشیده شود و نظام مطابق با منفعت کارگران و زحمت‌کشان بر سر کار آید. هر سیاست و راهی جدا از این، برابر با گرانی بیش‌تر، برابر با کُشت و کُشتار و دستگیری‌های گسترده‌تر، و نیز برابر با ازیاد کودکان کار خیابانی و صدها مصیبت و نابسامانی‌های اجتماعی است.

۱۴ مه ۲۰۲۲/۲۴ اردیبهشت - ثور - ۱۴۰۱